

Abstract

The present study, using the Dimtel technique, seeks to design a model of Khuzestan stratifications on awareness and political participation of Khuzestan students after the revolution. This research is applied based on the purpose and in terms of data collection, it is a mixed (qualitative-quantitative) research. Data collection tool was a semi-structured interview and in order to collect information, a theoretical and purposeful method (snowball) was conducted with 14 university experts. Using the opinions of experts, 34 variables were finalized, which became the basis for preparing the main questionnaire of the project. 375 questionnaires were distributed among students in Khuzestan province in 1397. To analyze the data, the theme analysis method and to rank the approved components and indicators among the multi-criteria decision-making techniques, the Demitel technique under the Super Decision software has been used. The results showed that status and status have the greatest impact on increasing the stratification of Khuzestan society and also education has the least impact on the stratification components of Khuzestan society. Educational conditions have the greatest impact on increasing student political participation in the Islamic Republic of Iran from a public policy perspective and also emotional atmosphere has the least impact on increasing student political participation in the Islamic Republic of Iran from a public policy perspective.

key words

Khuzestan Stratifications, Awareness, Political Participation, Multi-Criteria Decision Making, Dimatel Technique

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،
سال پنجم، شماره ۵۵، دی ۱۴۰۱، صص ۲۹۵۱-۲۹۶۳
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2021.301491.2197>

تأثیر قشربندی های خوزستان بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی دانشجویان خوزستان بعد از انقلاب

محمد رضا علی پور خدادادی^۱

رضا پریزاد^۲

محمد حسن الهی منش^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک دیمتل، به دنبال طراحی مدل قشربندی های خوزستان بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی دانشجویان خوزستان بعد از انقلاب می باشد. این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده ها، از نوع تحقیقات آمیخته (کیفی- کمی) می باشد. ابزار جمع آوری داده ها مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده و به منظور گردآوری اطلاعات، با روش نظری و هدفمند (گلوله برفی) با تعداد ۱۴ نفر از خبرگان دانشگاه مصاحبه انجام شد. با استفاده از نظرات خبرگان تعداد ۳۴ متغیر، نهایی شدند که مبنای تهیه پرسشنامه اصلی طرح قرار گرفتند. تعداد ۳۷۵ پرسشنامه بین دانشجویان استان خوزستان در سال ۱۳۹۷ توزیع شد. برای تحلیل داده ها از روش تحلیل تم و جهت رتبه بندی مؤلفه ها و شاخص های تأیید شده از بین تکنیک های تصمیم گیری چند معیاره، از تکنیک دیمتل تحت بستر نرم افزار Super Decision استفاده شده است. نتایج نشان داد که منزلت و پایگاه بیشترین تأثیر را در افزایش قشربندی جامعه خوزستان دارد و همچنین تحصیلات کمترین تأثیر را در مؤلفه های قشربندی جامعه خوزستان دارد. شرایط آموزشی بیشترین تأثیر را در افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه سیاستگذاری عمومی دارد و همچنین جو عاطفی کمترین تأثیر را در افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه سیاستگذاری عمومی دارد.

کلیدواژگان

قشربندی های خوزستان، آگاهی بخشی، مشارکت سیاسی، تصمیم گیری چند معیاره، تکنیک دیمتل

دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران^۱

استادیار گروه علوم سیاسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)^۲

استادیار گروه علوم سیاسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران^۳

به رغم اهمیت قشربندی در جامعه خوزستان و گستردگی نفوذ آن بر پدیده‌ها و امور اجتماعی مختلف، مطالعه اختصاصی آن چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته است. در پژوهش‌های گذشته، تاثیر قشربندهای اجتماعی به منزله یک متغیر مستقل بر متغیرهایی چون آگاهی و مشارکت سیاسی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته، این در حالی است که جست و جو در ساختار قشربندی‌های استان خوزستان و پیامدهای حاصل از آن بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی از جهات مختلف حائز اهمیت بوده و برای جامعه‌شناسی ایران می‌تواند، سرچشمه بصیرتهای تازه‌ای باشد.

با وجود اهمیت آگاهی مردم استان خوزستان بویژه قشر جوان و تحصیل کرده از مسائل سیاسی، آنها چقدر با مبانی نظری سیاست‌آشنایی دارند؟ آیا قشربندی اجتماعی جامعه خوزستان بر میزان آگاهی و مشارکت سیاسی دانشجویان بومی این استان تاثیرگذار می‌باشد؟ آیا پس از پیروزی انقلاب در قشربندی‌های اجتماعی این استان تحولی بوجود آمده و اصولاً این تحول در ارتقاء آگاهی و مشارکت سیاسی قشر تحصیلکرده تاثیر داشته است؟ آیا ساختار سنتی قشربندی خوزستان با مولفه‌هایی مثل قدرت، ثروت و فرهنگ اجتماعی بر ساختار اکتسابی قشربندی با مولفه‌هایی چون تحصیلات، منزلت و ارزش‌های علمی در تقابل می‌باشد یا تعامل؟ اگر تقابلی وجود داشته، کدام یک بر دیگری برتری دارد؟ و آیا این برتری بر آگاهی و مشارکت سیاسی جوانان تحصیلکرده این استان تاثیر معناداری از خود بر جای گذاشته است؟ تلاش برای پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده، بینش جامعه‌شناسان را درباره سازوکارهای ارتقاء آگاهی از مسائل سیاسی کشور و رویدادهای مهم بین‌المللی را بهبود می‌بخشد. هدف کاربردی این پژوهش بررسی میزان تاثیر قشربندی‌های جامعه خوزستان بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی دانشجویان بومی پس از انقلاب اسلامی می‌باشد. پژوهش حاضر ضمن واکاوی قشربندی جامعه خوزستان، در پی پاسخ به این سؤال است که قشربندی‌های جامعه خوزستان پس از انقلاب اسلامی به چه میزان بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی دانشجویان تاثیرگذار بوده است؟ بنظر می‌رسد قشربندی جامعه خوزستان در یک فرآیند چند بعدی زمینه ساز شکل‌گیری ساختار معناداری مبتنی بر مولفه‌های قدرت، ثروت و فرهنگ اجتماعی در تعامل با ویژگی‌های اکتسابی دانشجویان بومی نظیر تحصیلات، منزلت و ارزش‌های علمی گردیده و موجب خلق الگویی تلفیقی بر مبنای عناصر سنتی و مدرن گردیده که توأمان بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی این طیف تاثیر خاص خود را بر جای گذاشته است.

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در بخش واکاوی ادبیات تحقیق و ارجاع به پژوهش‌های تجربی و نظری اعم از مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با موضوع پژوهش، ملاحظه گردید که متغیرهای پژوهش چه قشربندی (طبقات و پایگاههای اجتماعی) و چه آگاهی و مشارکت سیاسی به صورت جداگانه در برخی از تحقیقات مورد مطالعه قرار گرفته اما هنوز پژوهشی بطور جامع و مستقل در زمینه موضوع تحقیق که تاثیر قشربندی‌های اجتماعی جامعه خوزستان بعنوان یک متغیر مستقل را بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی بعنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار دهد؛ انجام نشده؛ لذا این مسئله می‌تواند بیانگر ضرورت انجام تحقیق حاضر باشد.

از آنجائیکه در پژوهش‌های گذشته قشربندی اجتماعی بیشتر بعنوان یک متغیر زمینه‌ای و مداخله‌کننده بررسی شده و به منزله یک متغیر مستقل و مجزا کمتر مورد مطالعه قرار گرفته؛ در حالیکه جستجو در ساختار و تحولات قشربندی و پیامدهای حاصل از آن بعد از انقلاب اسلامی بویژه تاثیر آن بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی در میان قشر جوان و تحصیل کرده، می‌تواند سرچشمه بصیرتهای جدید در جامعه‌شناسی ایران باشد؛ لذا این تحقیق که به بررسی میزان تاثیر قشربندی‌های جامعه خوزستان بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی دانشجویان بومی این استان بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد؛ یک پژوهش جدید بوده و از این نظر تحقیق حاضر می‌تواند؛ نوآوری کند. این پژوهش باعث توسعه و غنی‌تر شدن پیشینه نظری و پژوهشی تحقیق می‌

گردد و از سویی چون موضوع تاثیرپذیری قشربندی از منزلت های علمی و سیاسی در تحقیقات علمی کشور انجام نشده است لذا انجام این پژوهش ضروری به نظر می رسد.

مبانی نظری تحقیق

قشر بندی اجتماعی

قشربندی اجتماعی نظامی است که افراد را بر حسب میزان برخورداری شان از کیفیت های مطلوب رتبه بندی کرده و آنها را در طبقات اجتماعی متناسب با وضعیت شان جای می دهد. این کیفیت های خوشایند را فرهنگ هر جامعه ای مشخص می کند (کوئن، ۱۳۷۷: ۱۷۸). در حقیقت قشر بندی اجتماعی رده بندی گروهها و افراد بر حسب سهم آنان از دستاوردهای مطلوب و حائز ارزش اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۳۱). گرب قشربندی اجتماعی را پیوستاریا نبردانی متشکل از مقوله هایی مجزا دانسته است (گرب، ۱۳۷۹: ۱۲۹). تامین هم قشربندی اجتماعی را توزیع افراد هر گروه اجتماعی یا جامعه بر روی یک «مقیاس موقعیت» تعریف کرده است. (تامین، ۱۳۸۵: ۲۱).

آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف مفهوم قشر اجتماعی می نویسد: «... قشر اجتماعی مجموعه ای است متشکل از تعدادی از اشخاص یا گروه هایی که در فرایند قشربندی اجتماعی در یک سطح جای گرفته اند. در زبان جامعه شناسی، قشرهای گوناگون اجتماعی بر روی یکدیگر جای می گیرند. قشرها در سطوحی متفاوت جای یافته و با توجه به وضع و موقع خود، مورد قضاوت مجموع افراد جامعه قرار می گیرند. دهقانان، کارفرمایان صنعتی، کارگران و کارمندان، تشکیل دهنده ی قشرهای اجتماعی هستند...» در همین مأخذ در مقایسه ی طبقه با قشر اجتماعی آمده است: «... با در نظر گرفتن قشری که به آن تعلق داریم، تعریف پایگاه و موضع اجتماعی ما امکان پذیر خواهد بود. قشرهای اجتماعی یکسان نیستند.» معمولاً افراد یک قشر اجتماعی، از فرصت های زندگی و شیوه های زندگی مشابهی برخوردارند و از نوعی آگاهی از موقعیت خود برخوردار هستند. (ملک؛ ۱۳۹۷: ۱۶)

به عقیده بیلتون، قشربندی اجتماعی تقسیم و تفکیک جامعه به لایه ها یا اقشار نابرابر از لحاظ درآمد، ثروت، جنسیت، قدرت، منزلت، سن، مذهب یا برخی ویژگی های دیگر است. در این متن او تاکید می کند که: «قشر اجتماعی پروسه ای است که تمامی اشکال نابرابری را در برمی گیرد» (بیلتون، ۲۰۰۲: ۷۱).

منظور تامین از قشربندی اجتماعی، توزیع نابرابر افراد یا گروه های اجتماعی بر روی یک «مقیاس موقعیت» است که مراتب این موقعیت ها بر چهار معیار قدرت، مالکیت، ارزیابی اجتماعی و پاداش روانی مبتنی است. پدیده قشربندی با ۵ صفت اصلی تعریف شده است:

قشربندی خصلتی اجتماعی دارد یعنی منشأ آن بیرون از فطرت انسان است.

قشربندی پدیده ای قدیمی است یعنی در تمام جوامع گذشته وجود داشته است.

قشربندی پدیده ای جهانی است.

قشربندی صورت های گوناگون دارد.

قشربندی مجموعه ای از پیامدهای مشخص دارد. یعنی اساساً این چیزهای مهم و مطلوب و نایاب در زندگی انسان است که به شیوه های نابرابر توزیع می شود (تامین، ۱۳۷۳: ۲۱)

دلایلی که خصلت اجتماعی قشربندی را تایید می کند عبارتند از:

۱. هر نظام قشربندی به معیارها و مجوزهایی که جامعه معین کرده است بستگی دارد.
 ۲. هنجارها و ضمانت اجرا نقش مهمی در ایجاد و حفظ نظام قشربندی ایفا می کند.
 ۳. هنجارها و ضمانت اجرا نقش مهمی در ایجاد و حفظ نظام قشربندی ایفا می کند.
 ۴. آرایش هر نظام قشربندی در حال تبدیل دائمی است. از سویی به دلیل درجات متفاوت جامعه پذیری در جامعه، و از سویی دیگر به دلیل نابرابری میزان زاد و ولد قشرهای مختلف.
- نظام قشربندی با نظام های دیگر جامعه مثل نهادهای سیاسی، آموزشی، اقتصادی، دینی و خانوادگی در وابستگی متقابل است (تامین؛ ۱۳۷۳: ۲۸).

به عقیده ی جامعه شناسان مارکس گرا: قشربندی اجتماعی یکی از شعب و مفاهیم اساسی جامعه شناسی بورژوایی است که در آن تاکید، بر نظامی از ملاک ها و شاخص های تفکیک و نابرابری اجتماعی است و معمولاً هم معنا با مفهوم ساخت اجتماعی به کار می رود... تئوری های قشربندی اجتماعی در رویارویی با تئوری مارکسیست لنینیستی طبقه ی اجتماعی و مبارزه ی طبقاتی شکل گرفته و ارائه شده اند... جامعه شناسان بورژوایی این موضوع اساسی را که گروه ها و اقشار اجتماعی، خود در نظام تولید اجتماعی مکان معینی دارند را نادیده می گیرند و از آن مهمتر، توجهی به این واقعیت ندارند که آنچه عامل تقسیم جامعه به طبقات اجتماعی است، مالکیت یا عدم مالکیت ابزار تولید است... جامعه شناسان بورژوا، طبقات و گروه ها و اقشار اجتماعی را براساس متغیرهای معین و محدودی مانند تحصیلات، سطح زندگی، شاخص های روانی، شغل و درآمد تعریف و توصیف می کنند... (ملک؛ ۱۳۹۷: ۱۷).

در متون مارکس گرایان تعاریف گوناگونی از قشر اجتماعی ارائه شده است که در آنها بر گذرابودن و غیراساسی بودن قشر اجتماعی تاکید شده است. از جمله به عقیده ی آنان، «... قشر اجتماعی عبارت است از یک گروه اجتماعی بینابین یا گذرا که فاقد تمامی ویژگی های یک طبقه ی اجتماعی است؛ مانند قشر روشنفکران. همچنین قشر اجتماعی می تواند از تقسیمات فرعی یک طبقه ی اجتماعی باشد که از ویژگی های متمایز معینی برخوردار است؛ مانند قشر کارگران غیرماهر که هر دو به طبقه ی کارگر تعلق دارند.» (حسن ملک، ۱۳۹۷: ۱۸).

صفات اصلی قشربندی

با وجود تعاریف متعددی که از قشربندی اجتماعی شده است، قشربندی اجتماعی، توزیع هر گروه اجتماعی یا جامعه بر روی یک مقیاس موقعیت است. مراتب این موقعیت ها بر چهار معیار مبتنی است که عبارتند از: قدرت، مالکیت، ارزیابی اجتماعی و پاداش روانی.

- قدرت، توانایی رسیدن به هدف خود در زندگی به رغم برخورد با مخالفت احتمالی دیگری است.

- مالکیت، معرف امکان تصرفی است که یک شخص بر اموال و خدمات دارد.

- ارزیابی اجتماعی، قضاوتی است که به موجب آن جامعه حیثیت، اهمیت یا محبوبیت بیشتری به فلان پایگاه اجتماعی می‌دهد و به طور کلی آنها را به هر دلیلی به موقعیتها و پایگاههای دیگر ترجیح می‌دهد.

- پاداش روانی شامل آن عایدی لذت و رضایت خاطی است که از شمول عایدات قدرت و مالکیت و ارزیابی اجتماعی خارج است (تامین، ۱۳۸۸: ۲۱).

در روزگار ما پدیده قشربندی اجتماعی با پنج صفت اصلی تعریف شده است:

(۱) قشربندی خصلتی اجتماعی دارد یعنی منشاء آن بیرون از فطرت انسان است.

(۲) قشربندی پدیده ای قدیمی است، یعنی در همه جامعه های گذشته وجود داشته است.

(۳) قشربندی پدیده ای جهانی است.

(۴) قشربندی صورت های گوناگون دارد.

(۵) قشربندی مجموعه ای پیامدهای مشخص دارد یعنی اساسا این چیزها مهم و مطلوب و نایاب در زندگی انسان است که به شیوه ای نابرابر توزیع می شود (تامین، ۱۳۸۸: ۲۳).

قشربندی دارای ساختارهای سنتی (قدیمی) و نوین می باشد. از مولفه های سنتی قشربندی می توان به طبقه اقتصادی-سیاسی (مالکیت) و قدرت اجتماعی (اقتدار) و فرهنگی اشاره نمود و از مولفه های نوین می توان به حزب، منزلت اجتماعی (پایگاه اجتماعی) و تحصیلات اشاره نمود.

پیشینه تجربی پژوهش

امیرپور سعید، محمد علی (۱۳۹۸)، در مقاله ای به بررسی قشربندی و نابرابری اجتماعی (بررسی دیدگاه ماکس وبر) می پردازد. رویکرد وبر به قشربندی اجتماعی بر مبنای تحلیلی که مارکس پرورانید بنا میشود، ولی او این تحلیل را شرح و بسط داد. یکی از جنبه های مهم تحلیل وبر این است که قشربندی را به عوامل اقتصادی تقلیل نمی دهد بلکه آن را چند بعدی می بیند. جلودار و خوش فر (۱۳۹۶)، در مقاله ای با عنوان بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران نشان داد مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت، از شاخص های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به شمار می رود. متقی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله ای با عنوان مدل سازی همگرایی قومی بر اساس نیازسنجی مدیران سیاسی و مطالبات شناسی اقوام (مطالعه موردی: استان کردستان) به این نتایج دست یافته اند؛ نیروهای همگرا و واگرا که در تعیین چگونگی و کیفیت انسجام ملی نقش عمده ای دارند، مفاهیم جدا از هم نیستند؛ بلکه متغیرهایی هستند که دارای پیوندی معکوس و تأثیرپذیر از هم هستند. نتایج پژوهش نشان داد که بر اساس نیازسنجی مدیران سیاسی، مردم کردستان در مدل سه منظوره در مسیر همگرایی هستند. بهنام پور و جوانمرد (۱۳۹۵)، مقاله ای با عنوان بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان در انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی (مورد مطالعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان)، نشان دادند که عوامل متعددی در افزایش مشارکت سیاسی نقش دارد که لیپست، میلبراث و گونل به آنها اشاره داشته اند. متغیرهایی که تأثیر آنها بر مشارکت سیاسی دانشجویان مورد سنجش قرار گرفته عبارتند از: تمایل فرد به مشارکت، تمایل والدین و دوستان فرد به مشارکت، محل سکونت، اعتقادات دینی و وضعیت اقتصادی می باشد که از بین متغیرها وضعیت اقتصادی و تحصیلات، نگرش

و اعتقادات دینی بیشترین تاثیر را داشته است (بهنام‌پور و جوانمرد، (۱۳۹۵). آب نیکی (۱۳۹۵)، مقاله‌ای با عنوان بررسی مشارکت سیاسی در طبقه متوسط جامعه ایران انجام داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میان مشارکت سیاسی افراد و طبقه اجتماعی که بدان تعلق دارند، ارتباط معناداری وجود دارد. عباس زاده مرزبالی و اطاعت (۱۳۹۵)، مقاله‌ای با عنوان مشارکت سیاسی و اثر آن بر مشروعیت نظام سیاسی انجام دادند. نتایج نشان داد که ارتباط ژرفی میان نظام سیاسی و مشارکت سیاسی وجود دارد و نظام سیاسی دموکراتیک، زمینه مشارکت فعال مردم در زندگی سیاسی را فراهم می‌آورد، درحالیکه نظام سیاسی اقتدارگرا از مشارکت فعال مردم جلوگیری کرده و به مشارکت‌های نمایشی و هدایت شده از بالا بسنده می‌کند (عباس زاده مرزبالی و اطاعت، (۱۳۹۵). مشارکت سیاسی و اثر آن بر مشروعیت نظام سیاسی. مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰۶. عظیمی هاشمی، مژگان و همکاران (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با عنوان مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل موثر بر آن نوشت. عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در این پژوهش تابعی از نگرش سیاسی زنان، احساس نابرابری جنسیتی در حوزه سیاسی، اعتماد به نهادهای حکومتی و سرمایه اجتماعی به ویژه فعالیت های انجمنی است. به پیروی از مدل تبیین رفتار فیشباین و آیزن، هر عملی تابع نگرش به هنجار ذهنی است؛ نگرش نیز به نوبه خود تابع انتظار فایده و ارزیابی فایده و هنجار ذهنی نیز، تابع انتظار دیگران و انگیزه پیروی از انتظارات دیگران می باشد (رفیع پور، ۱۹۹۳). پناهی و بنی فاطمه (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان نشان دادند، اهمیت مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در کشورهای جهان سوم هم برای رشد و توسعه جوامع و هم برای خودشکوفایی زنان روزبه‌روز افزایش می‌یابد، و ضرورت مطالعه آن بیشتر می‌شود. هرسیچ و همکاران (۱۳۹۳)، مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و آگاهی سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که مصرف رسانه‌های دیجیتال ارتباطی مثبت اما غیرمعنادار با آگاهی از مفاهیم سیاسی دارد (هرسیچ، حسین، نوعی باغبان، سید مرتضی، صادقی نقدعلی، زهرا، (۱۳۹۳). بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و آگاهی سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. سال بیست و یکم. شماره ۳. لایگی (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای نشان می‌دهد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود. او نتیجه می‌گیرد بحث با دوستانی که به سیاست علاقه‌مندند یا به فعالیت سیاسی می‌پردازند؛ می‌تواند در یادگیری فعالیت سیاسی کمک‌کننده باشد (به نقل از مک‌کلارگ). الکس انکلس (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای در مورد تحقیقات خود در کشورهای در حال توسعه به ویژگی‌های اجتماعی و روانشناختی شهروند مشارکت جو پرداخته و دریافته است مشارکت افرادی که آگاهی سیاسی زیادی دارند، در فعالیت‌های سیاسی و مذهبی بیشتر است. شوارزر (۲۰۱۱)، تحقیقی با عنوان جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان عاملی برای اشتغال سیاسی و مشارکت سیاسی انجام داد. بر طبق نتایج تحقیق عوامل اولیه نسبت به عوامل ثانویه تأثیر بیشتری بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان داشته‌اند که این امر نشان می‌دهد که از عوامل ثانویه غفلت شده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس هدف، کاربردی و از نقطه نظر چگونگی جمع‌آوری اطلاعات، از نوع تحقیقات آمیخته اکتشافی (کیفی - کمی) است. در این پژوهش در اولین گام جهت شناسایی شاخص‌های مؤثر در قشربندی جامعه خوزستان و ارتباط آن با آگاهی و مشارکت سیاسی دانشجویان استان خوزستان با مراجعه به منابع مختلف نظیر نشریات، تحقیق‌های داخلی و خارجی در این زمینه، این شاخص‌ها استخراج گردیده است. به منظور اجماع اولیه بر روی دسته‌بندی صورت پذیرفته، این اطلاعات در اختیار گروه کارشناس قرار گرفته است. تعداد ۱۴ نفر از خبرگان درون دانشگاهی، اساتید خبره علوم سیاسی و جامعه‌شناسی بر اساس عواملی نظیر سابقه فعالیت حرفه‌ای در زمینه سیاسی، سابقه انجام تحقیق‌های علمی در این زمینه و مواردی از این دست انتخاب شده است. پرسشنامه‌ها پس از جمع‌آوری به دقت مورد بررسی قرار گرفت و نظرات پاسخ‌دهندگان مورد ارزیابی و جمع‌بندی قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده در مراحل فوق، دسته‌بندی شده است، و سؤال‌های تحقیق به صورت کلی

و در قالب ویژگی‌های مرتبط با دسته‌بندی پیش گفته و اهمیت آنها بر جزء مولفه مربوطه تدوین شده است. جامعه آماری در بخش کیفی خبرگان می‌باشد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی ۱۴ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته می‌باشد. بخش کیفی تحقیق حاضر با استفاده از تحلیل تم انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی شامل تمامی دانشجویان در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری خوزستان می‌باشد که تعداد آنها در سال ۱۳۹۷ به نقل از پایگاه مرجع دانشگاه‌های ایران ۱۰۱۱۶۱ نفر بوده و در ۶۹ مرکز علمی و دانشگاهی مشغول به تحصیل بوده‌اند (به نقل از پایگاه مرجع دانشگاه‌های ایران) می‌باشد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۷۵ نفر انتخاب شده است. پرسشنامه پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و برگرفته از نظرات خبرگان استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۶۶ گویه مربوط به عوامل مؤثر بر قشر بندی جامعه خوزستان، عوامل مؤثر بر آگاهی سیاسی دانشجویان استان خوزستان، عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان خوزستان می‌باشد. در این پژوهش جهت رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأیید شده از تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره MADM، و از روش تکنیک دیمتل استفاده شده است در این پژوهش از نرم افزار سوپر دسیژن (Super Decision) استفاده شده است.

تحلیل داده‌های کیفی

جدول ۱: کدگذاری عوامل مؤثر بر قشر بندی جامعه خوزستان

کد محوری	کد انتخابی	هسته اصلی
فرهنگ	مولفه‌های سنتی (طبقه)	مولفه‌های قشر بندی
قدرت		
ثروت		
منزلت و پایگاه	مولفه‌های اکتسابی (پایگاه)	
حزب سیاسی		
تحصیلات		
ارزش و منزلت علمی		

۱۵ شاخص (فرهنگ شفاهی، فرهنگ طبقه بندی، منابع تخصیصی، منابع آمرانه، مالکیت خصوصی، پول، قراردادکار، اقتدار صنعتی، موقعیت شغلی، مقام اجتماعی، اصل و نسب، موقعیت شغلی و اجتماعی والدین، جایگاه سیاسی، مدرک تحصیلی (دیپلم، لیسانس، ...))، ارزش علمی (پورفسور، دکتر، معلم، استاد، ...) در قالب ۷ بعد (فرهنگ، قدرت، ثروت، منزلت و

پایگاه، حزب سیاسی، تحصیلات، ارزش و منزلت علمی)، در قالب ۲ مؤلفه (مؤلفه های سنتی (طبقه)، مؤلفه های اکتسابی (پایگاه)) برای تعیین کفایت لازم جهت انتخاب مقوله های اصلی جهت بررسی پاسخ های مربوط به سوال اول پژوهشگر در نظر گرفته شده است.

جدول ۲: کدگذاری عوامل مؤثر بر آگاهی سیاسی دانشجویان استان خوزستان

کد انتخابی	کد محوری	کد گذاری باز
	شرایط آموزشی	آموزش به والدین برای کمک به حضور دانشجویان در مسائل و فعالیت های اجتماعی آگاه سازی دانشجویان نسبت به توانایی های خود تقویت آموزش های دانشجویان برای مشارکت سیاسی و اجتماعی بهتر در جامعه نیاز سنجی پایه ای در دانشگاه ها برای هدایت درست استعداد های دانشجویان
عوامل مؤثر بر آگاهی سیاسی دانشجویان استان خوزستان	امنیتی	امنیت فضای سیاسی تقویت امنیت در فضاهای عمومی برای دانشجویان بر خورداری دانشجویان از امنیت در خانه و خانواده خود
	جو عاطفی	حمایت خانواده ها از ورود دانشجویان به عرصه های سیاسی و اجتماعی آموزش والدین برای بازنگری در راهبرد های تربیتی خاص دانشجویان آموزش مهارت های ارتباطی به دانشجویان از طریق خانواده و دانشگاه
	دسترسی به منابع و امکانات	القای حس قوی بودن به دانشجویان در جامعه بر خورداری دانشجویان از حقوق یکسان با افراد دیگر جامعه در استفاده از منابع مالی خود فراهم کردن بسترهای مناسب حضور دانشجویان در عرصه های سیاسی و اجتماعی پرهیز از تصمیم های تفکیک جنسیتی توسط دولت
	فعالیت رسانه ها	ایجاد فضای امن روانی برای دانشجویان توسط رسانه های ارتباط جمعی تدوین برنامه هایی با محوریت مشارکت دانشجویان در سطح جامعه از سوی رسانه ها فرهنگ سازی مشارکت سیاسی دانشجویان از طریق رسانه های ارتباط جمعی آموزش دادن افراد دیگر جامعه برای پذیرش حضور دانشجویان در عرصه های سیاسی - اجتماعی

۱۸ شاخص در قالب ۵ مؤلفه (شرایط آموزشی، امنیتی، جو عاطفی، دسترسی به منابع و امکانات، فعالیت رسانه ها) برای تعیین کفایت لازم جهت انتخاب مقوله های اصلی جهت بررسی پاسخ های مربوط به سوال اول پژوهشگر در نظر گرفته شده است.

جدول ۳: کدگذاری عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان خوزستان

کد انتخابی	کد محوری	کد گذاری باز
------------	----------	--------------

<p>برخورداری از حقوق یکسان نسبت به افراد دیگر جامعه در بهره‌مندی از اموال خود پرداخت حقوق و مزایای مساوی با افراد دیگر جامعه در مشاغل مشابه برخوردار دانشجوین از حق بیمه و تامین اجتماعی برخوردار از حقوق همسان در زمینه قوانین</p>	<p>عوامل اقتصادی</p>	
<p>فراهم آمدن فرصت‌های شغلی برابر با افراد دیگر جامعه برخوردار بیشتر دانشجوین از آزادی‌های اجتماعی ایجاد و تقویت تشکل‌هایی که منجر به همگرایی بین دانشجوین می‌شود تفسیر مشارکت دانشجوین در امور سیاسی به ابعادی غیر از رای دادن تقویت مشارکت اجتماعی دانشجوین که خود بر مشارکت سیاسی ارجحیت دارد</p>	<p>عوامل اجتماعی</p>	<p>عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی</p>
<p>تغییر نگاه به دانشجوین در جامعه تلطیف دیدگاه‌های دینی و پذیرفته شده در جامعه باز تعریف مجدد نقش‌های دانشجوین در جامعه با تاسی از دانشجوین تاریخ ساز پرهیز از القای برچسب‌های جنسیتی به دانشجوین برخوردار دانشجوین از حقوق یکسان نسبت به افراد دیگر جامعه در قوانین معرفی جامعه توجه به کرامت، و نقش انسانی زمان و پرهیز از توجه صرف به بعد جنسیتی او اصلاح الگوهای اخلاقی در جامعه به سمت و سوی حضور بیشتر دانشجوین تغییر نگرش‌های فرهنگی مبتنی بر عدم ورود دانشجوین به امورات سیاسی تغییر نگرش‌های فرهنگی مبتنی بر عدم رفتهن آگاهی سیاسی دانشجوین</p>	<p>عوامل فرهنگی</p>	<p>دانشجوین استان خوزستان</p>
<p>سیاست‌گذاری دولت نسبت به برقراری امکان برخوردار از آموزش در جهت توانمندسازی دانشجوین ساینستگذاری احزاب سیاسی نسبت به پرهیز از دیدگاه جنسیتی در مورد عضوگیری از بین دانشجوین سیاست‌گذاری و اصلاح قوانین در جهت بالا بردن مشارکت دانشجوین در سطوح بالای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تغییر سیاست‌های آموزشی مبتنی بر محدودسازی تفکرات دانشجوین سیاست‌گذاری در مورد فراهم آوردن امکان کاندید شدن دانشجوین برای پست ریاست جمهوری سیاست‌گذاری در جهت واگذاری برخی از پست‌های مدیریتی و وزارتی به دانشجوین از سوی دولت</p>	<p>سیاست‌گذاری</p>	

<p>از بین بردن ترس ناشی از ضعف اعتماد به نفس دانشجویان آگاه سازی دانشجویان نسبت به حقوق اجتماعی خود آگاهی پایین دانشجویان نسبت به توانایی هایی که دارند معرفی شدن دانشجویان نمونه و موفق در زمینه های مدیریتی ترس های جنسیتی القاء شده از دیده شدن تلاش دانشجویان برای افزایش معلومات خود از طریق مطالعه</p>	<p>شخصیتی</p>	
<p>درود دانشجویان به مشاغلی که سابقا صرفا افراد دیگر جامعه تلقی می شوند ایجاد کد رشته های دانشگاهی برای دانشجویان در همه زمینه ها پرهیز از اجرای سیاست های تفکیک جنسیتی توسط دولت خصوصا در دانشگاه ها</p>	<p>فعالیت دانشجویان در عرصه های دیگر</p>	

۳۳ شاخص در قالب ۶ مؤلفه (عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، سیاست گذاری، شخصیتی، فعالیت دانشجویان در عرصه های دیگر) برای تعیین کفایت لازم جهت انتخاب مقوله های اصلی جهت بررسی پاسخ های مربوط به سوال اول پژوهشگر در نظر گرفته شده است.

رتبه بندی عوامل شناسایی شده با استفاده از روش الگوی دیمتل

برای تعیین ترتیب مؤلفه های قشربندی جامعه خوزستان آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی با استفاده از روش الگوی دیمتل از حیث تأثیرگذاری، الگوی دیمتل بکار گرفته می شود. در ابتدا و براساس قدم های فوق الذکر اقدام به محاسبه ماتریس ارتباطات M و توسط نرم افزار EXCEL انجام شده که در ادامه نحوه ماتریس M توضیح داده می شود:

ماتریس حاصل از نظرات خبرگان $M=$

α بزرگترین مجموعه سطری ماتریس M

جهت نرمالیزه نمودن ماتریس روابط مستقیم و به دست آوردن ماتریس M ، همه عناصر ماتریس به بزرگترین مجموع سطری این ماتریس تقسیم می شوند. باتوجه به اینکه در ماتریس بزرگترین مجموع سطری حاصل متعلق به $(B=1/1)$ می باشد. لذا عناصر ماتریس در $\alpha=1/1$ ضرب می شود که نتیجه یعنی ماتریس M حاصل می شود. حال با داشتن ماتریس روابط مستقیم محاسبه شدت روابط $M(I-M)^{-1}$ شدت روابط مستقیم و $M^2(I-M)^{-1}$ شدت روابط غیرمستقیم انجام می گیرد. از آنجایی که مجموع دنباله نامحدود از آثار مستقیم و غیرمستقیم از عناصر بر یکدیگر به صورت یک تصاعد هندسی محاسبه می شوند، آثار غیرمستقیم در طول زنجیره پیوسته کاهش یافته و از دیاگرام حذف خواهد شد. مجموع درایه های سطری هر مؤلفه ماتریس $M(I-M)^{-1}$ ، شدت تأثیرگذاری مؤلفه مورد نظر به دیگر عناصر را نشان می دهد. شدت تأثیرگذاری هر عنصر به دیگر عناصر را نشان می دهد. شدت تأثیرپذیری هر عنصر از دیگر عناصر، بردار R نام دارد. مجموع درایه های ستونی هر مؤلفه ماتریس $M(I-M)^{-1}$ ، شدت تأثیرپذیری مؤلفه مورد نظر از دیگر عناصر را نشان می دهد، شدت تأثیرپذیری هر عنصر از دیگر عناصر، بردار J نام دارد. بردار $R+J$ وزن و میزان اهمیت معیارها را نشان می دهد. محل واقعی هر عنصر در سلسله مراتب نهایی توسط ستون های $(R-J)$ و $(R+J)$ مشخص می

شود، به طوری که (R-J) نشان دهنده موقعیت یک عنصر (در طول محور عرض ها) است و این موقعیت در صورت مثبت بودن (R-J)، به طور قطع یک نفوذ کننده بوده و در صورت منفی بودن آن، به طور قطع تحت نفوذ (دریافت کننده) خواهد بود. (R+J) نشان دهنده مجموع شدت یک عنصر (در طول محور طول ها) هم از نظر نفوذ کننده و هم از نظر تحت نفوذ واقع شدن می باشد.

جدول ۴: جدول R, J برای مؤلفه های قشربندی جامعه خوزستان

رتبه‌بندی مشکلات کلیدی	براساس (R-J)	براساس (R+J)	براساس بیشترین مجموع ستونی (J)	براساس بیشترین مجموع ردیفی (R)	عوامل
۱	۱/۹۴۳۱۷۱	۷/۰۸۱۶۵۱	۲/۵۶۹۲۴	۴/۵۱۲۴۱۱	منزلت و پایگاه
۲	۱.۴۵۰۳۶۴	۱۷.۰۴۰۲۵	۷/۷۹۴۹۴۱	۹/۲۴۵۳۰۵	ارزش و منزلت علمی
۳	۱.۳۵۷۶۰۸	۱۶.۲۸۱۳۳	۷/۴۶۱۸۶۳	۸/۸۱۹۴۷۱	فرهنگ
۴	۰/۷۳۹۵۳۸	۷/۵۰۱۵۳	۳/۳۸۰۹۹۶	۴/۱۲۰۵۳۴	قدرت
۵	۰/۲۹۲۹۵۱	۷/۱۵۶۳۹۳	۳/۴۳۱۷۲۱	۳/۷۲۴۶۷۲	حزب سیاسی
۶	۰/۲۳۹۰۶۸	۷/۰۰۷۵۵۷	۳/۳۸۴۲۴۵	۳/۶۲۳۳۱۳	ثروت
۷	۰/۰۶۳۶۸۱	۷/۶۲۰۵۸۲	۳/۷۷۸۴۵	۳/۸۴۲۱۳۱	تحصیلات

نتایج حاصل از ستون های (R-J) و (R+J) در جدول ۴ نشان می‌دهد که منزلت و پایگاه با مقادیر R, J, (R+J) و (R-J) به ترتیب (۴/۵۱۲۴۱۱، ۷/۰۸۱۶۵۱، ۲/۵۶۹۲۴، ۱/۹۴۳۱۷۱) بیشترین تأثیر را در افزایش قشربندی جامعه خوزستان دارد و همچنین تحصیلات با مقادیر R, J, (R+J) و (R-J) به ترتیب (۳/۸۴۲۱۳۱، ۳/۷۷۸۴۵، ۷/۶۲۰۵۸۲ و ۰/۰۶۳۶۸۱) کمترین تأثیر را در مؤلفه های قشربندی جامعه خوزستان دارد.

جدول ۵: جدول R, J برای مؤلفه های آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان

رتبه‌بندی مشکلات کلیدی	براساس (R-J)	براساس (R+J)	براساس بیشترین مجموع ستونی (J)	براساس بیشترین مجموع ردیفی (R)	عوامل
۱	۱/۹۴۳۱۷۱	۷/۰۸۱۶۵۱	۲/۵۶۹۲۴	۴/۵۱۲۴۱۱	شرایط آموزشی
۲	۱.۴۵۰۳۶۴	۱۷.۰۴۰۲۵	۷/۷۹۴۹۴۱	۹/۲۴۵۳۰۵	عوامل اقتصادی
۳	۱.۳۵۷۶۰۸	۱۶.۲۸۱۳۳	۷/۴۶۱۸۶۳	۸/۸۱۹۴۷۱	امنیتی
۴	۰/۷۳۹۵۳۸	۷/۵۰۱۵۳	۳/۳۸۰۹۹۶	۴/۱۲۰۵۳۴	سیاست گذاری
۵	۰/۲۹۲۹۵۱	۷/۱۵۶۳۹۳	۳/۴۳۱۷۲۱	۳/۷۲۴۶۷۲	فعالیت رسانه ها
۶	۰/۲۳۹۰۶۸	۷/۰۰۷۵۵۷	۳/۳۸۴۲۴۵	۳/۶۲۳۳۱۳	عوامل اجتماعی
۷	۰/۰۶۳۶۸۱	۷/۶۲۰۵۸۲	۳/۷۷۸۴۵	۳/۸۴۲۱۳۱	عوامل فرهنگی
۸	-۰/۰۵۹۷۵	۸/۱۴۵۵۵۶	۴/۱۰۲۶۵۱	۴/۰۴۲۹۰۵	دسترسی به منابع
۹	-۱/۵۷۵۸۸	۶/۲۹۲۳۸۶	۳/۹۳۴۱۳۵	۲/۳۵۸۲۵۱	فعالیت دانشجویان
۱۰	-۱/۶۴۲۷۸	۷/۵۹۵۲۰۱	۴/۶۱۸۹۹	۲/۹۷۶۲۱۱	شخصیتی

جو عاطفی	۲/۸۸۴۵۱۱	۴/۸۶۶۵۲۱	۷/۷۵۱۰۳۲	-۱/۹۸۲۰۱	۱۱
----------	----------	----------	----------	----------	----

نتایج حاصل از ستون های (R-J) و (R+J) در جدول ۵ نشان می‌دهد که شرایط آموزشی با مقادیر J, R ، (R+J) و (R-J) به ترتیب (۲/۵۶۹۲۴، ۴/۵۱۲۴۱۱، ۷/۰۸۱۶۵۱ و ۱/۹۴۳۱۷۱) بیشترین تأثیر را در افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه سیاستگذاری عمومی دارد و همچنین جو عاطفی با مقادیر J, R ، (R+J) و (R-J) به ترتیب (۲/۸۸۴۵۱۱، ۴/۸۶۶۵۲۱، ۷/۷۵۱۰۳۲ و -۱/۹۸۲۰۱) کمترین تأثیر را در افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه سیاستگذاری عمومی دارد.

بحث و نتیجه گیری

با مقایسه مفاهیم (کدها) زمینه‌های اشتراک بیشتری را میان آن‌ها کشف شد که امکان طبقه بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه بندی‌های یکسان را فراهم ساخت. حاصل این مرحله از فرایند که شکل گیری مؤلفه‌ها می‌باشد. در مرحله بعد، وجوه مشترک مؤلفه های برآمده از مراحل قبلی شناسایی شده و با توجه به اشتراکات آن‌ها در دسته بندی کلی تر و محدودتری ساماندهی شدند. به طور کلی، در مرحله اول مضمون های زیادی به دست آمد که با تلفیق و تحلیل آنها با استفاده از فرایند رفت و برگشتی تحلیل داده ها مجموعه کل کدهای اولیه به کدهای کمتری تقلید یافتند به این گونه که به منظور جلوگیری از تکرار تمام کد های اولیه تکراری یا مشابه که از لحاظ مفهومی بسیار به هم نزدیک بودند در یک مجموعه واحد قرار گرفتند و مفاهیمی را به وجود آوردند که مقولات را تشکیل دادند. در نهایت ۱۵ شاخص (فرهنگ شفاهی، فرهنگ طبقه بندی، منابع تخصصی، منابع آمرانه، مالکیت خصوصی، پول، قراردادکار، اقتدار صنعتی، موقعیت شغلی، مقام اجتماعی، اصل و نسب، موقعیت شغلی و اجتماعی والدین، جایگاه سیاسی، مدرک تحصیلی (دیپلم، لیسانس، ...))، ارزش علمی (پورفسور، دکتر، معلم، استاد، ...) در قالب ۷ بعد (فرهنگ، قدرت، ثروت، منزلت و پایگاه، حزب سیاسی، تحصیلات، ارزش و منزلت علمی)، در قالب ۲ مؤلفه (مؤلفه های سنتی (طبقه)، مؤلفه های اکتسابی (پایگاه)) بعنوان عوامل مؤثر بر قشر بندی جامعه خوزستان مربوط به سوال اول پژوهشگر در نظر گرفته شده است. ۱۸ شاخص در قالب ۵ مؤلفه (شرایط آموزشی، امنیتی، جو عاطفی، دسترسی به منابع و امکانات، فعالیت رسانه ها) بعنوان عوامل مؤثر بر آگاهی سیاسی دانشجویان استان خوزستان مربوط به سوال دوم پژوهشگر در نظر گرفته شده است. ۳۳ شاخص در قالب ۶ مؤلفه (عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، سیاست گذاری، شخصیتی، فعالیت دانشجویان در عرصه های دیگر) بعنوان عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان خوزستان مربوط به سوال دوم پژوهشگر در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که منزلت و پایگاه بیشترین تأثیر را در افزایش قشر بندی جامعه خوزستان دارد و همچنین تحصیلات کمترین تأثیر را در مؤلفه های قشر بندی جامعه خوزستان دارد. شرایط آموزشی بیشترین تأثیر را در افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه سیاستگذاری عمومی دارد و همچنین جو عاطفی کمترین تأثیر را در افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه سیاستگذاری عمومی دارد.

منابع

افه، کلاوس (۱۳۸۴). چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت. چاپ شده در کتاب سرمایه اجتماعی ترجمه افشین خاکبا و حسن پویان، تهران. شیرازه.

- امام جمعه زاده، جواد، صادقی، زهرا و محمود اوغلی، رضا و رهبر قاضی، محمود رضا (۱۳۹۲). تحلیل رابطه بین مصرف رسانه ای و میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*. س. بیست و پنجم ش. دوم. صص ۱۵-۳۲.
- پانام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور
- جهانگیری، جهانگیز و ابوترابی، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان. *دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی*، س هشتم، دور دوم صص ۲۶ تا ۵
- دانش فرد، کرم اله؛ ادیب زاده، مریم (۱۳۹۵)، اعتماد سیاسی: دیدگاه تطبیقی بین کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، ش هفتاد و نهم، س بیست و پنجم.
- رنی، آستین (۱۳۷۴). *آشنایی با علم سیاست*. ترجمه لیلا سازگار. تهران. بشر دانشگاه
- زتومکا، پیتر (۱۳۸۶) *اعتماد نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران، شیرازه
- زونیس ماروین (۱۳۸۷). *روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران*. ترجمه صالحی، پرویز و لبادی، زهرا و امین زاده سلیمان. نشر: چاپخش
- سرای حسن و صفیری، نسرين (۱۳۸۵). بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر. *مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. دوره اول. شماره ۴. صص ۷۲-۹۶
- مرادی، سالار و کواکبیان مصطفی و فلاحت پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی*. س هفتم. ش ۲۴. صص ۱۰۶-۱۳۳
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران، دفتر طرح‌های ملی
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. موج دوم. تهران. دفتر طرح‌های ملی
- Calenda, D. & Mosca, L. (2007) "The Political Use of the Internet Information". *Communication & Society*
- Fokuyama, f. (2009). *Trust: The Social Virtuous and the Creation of Prosperity*, New York: The Free Press
- Gross, Kimberly, sean Aday and paul r. Brewer (2004). *A Panel Study of Media Effects on Political and Social Trust After September 2001* Published by: sage. No4.
- Norris, Pippa. (1999). "Critical Citizens, Global Support or Democratic Governance", Oxford: Oxford University Press.
- Patriticia ,moy (2000). media effects on political and social trust *journalism and mass communication*, vol.77, no4
- The Impact of Using Facebook on Political Trust (Case of Study: Students of Payame Noor Universities in Isfahan Province)